

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب  
برلین - سوم دسمبر ۲۰۱۳



## ابوالقاسم لاهوتی، شاعری فرامرز

(قسمت دوم)

در شعرهای لاهوتی واژه های کنفرانس، تراکتور، کمسومول، کلخوز، سناتوریم، ستالینیزم، لنینیزم، بلشویک، سوسیالیزم، بین الملل، فاشیزم، هیتلر، لیدر، جمهوری، لنین، ستالین و گورکی و .... که بازتابگر اندیشه و باور اویند و بیشتر آنها برای بار نخست در چکامه زبان پارسی دری مورد استفاده قرار گرفته اند، به فراوانی یافت میشوند:

لشکر زمستان رفت دولت بهار آمد  
دسته دسته کلخوزچی سوی کشت و کار آمد

\*\*\*\*\*

بشنو از من تهمت فاشیسم را باور مکن  
گوش بر افسانه دزدان اغواگر مکن  
یک نفس هم، تکیه بر این سیل مرگ آور مکن  
ره به این طاعون مده، خاک فنا بر سر مکن  
با برادرهای روس، اخلاص را کمتر مکن

\*\*\*\*\*

ستالین جان، تو ما را رهنمائی برادر، هم پدر، هم پیشوائی  
به سر هوش و به درد ما دوائی خلاصه، جان مائی، بخت مائی

\*\*\*\*\*

بلشویکیان آمدند حلقه به گوشت زدند  
ز آهن و ساروج و سنگ یوغی به دوش زدند

\*\*\*\*\*

اگر که شورش کنی خاکت به سر میکنم  
بلشویکان را ز نو رفته خبر میکنم

\*\*\*\*\*

دلبری شوخ در ساناتوریم داد کاردی به من دم خوردن  
در جواب شکایت از گندیش خواند بیتی ز شاعر ژرمن  
بود مضمونش اینکه، بیرحمی ست کارد بُران به کبودکان دادن  
گفتمش ای فرشته، گر دل تو سوزد از بهر کودکی چون من  
که مبادا بیبمردم انگشت یا مبادا خراشدم گردن  
پس چرا آتش از رخ گلگون در دل من نموده ای روشن  
وز نگاه دو چشم رخسندده میزنی آتش مرا دامن

یا بفکر تو سوزش آتش

هست کمتر ز برش آهن

\*\*\*\*\*

در جلسه شب نشینی که از سوی انجمن روابط فرهنگی اتحاد شوروی با خارجه، به تاریخ سوم جنوری ۱۹۵۴ میلادی دائر شده بود، بداهتاً به نام استاد بیتاب و استاد خلیلی، سروده شده است:

خواهد دل من ز سینه پرتاب شود      آید به حضور تو شرفیاب شود  
از چشمه الهام تو سیراب شود      سیراب شود: بنده بیتاب شود

\*\*\*\*\*

دلم خواهد خلیلی را ببینم      بزرگی و جلیلی را ببینم  
بچشم خویش در میدان اشعار      معظّم زور پیلی را ببینم

لاهوتهی با چند چکامه سرای افغانِ مُعاصرش که از آنها در دیوان شعر هایش نامی برده نشده، بر مبنای آنچه وی برایشان سروده، مکاتبه هائی داشته است.

(ادامه دارد)